

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در باز آفرینی بهسازی و نوسازی بافت تاریخی شهر ساری

منیر ناظم زاده^۱، آمنه سعیدی^۲

^۱ مدرس دانشگاه واحد تهران جنوب، پرند، تهران غرب.

^۲ کارشناس ارشد مهندسی شهر سازی، دانشکده معماری و شهر سازی دانشگاه علوم تحقیقات.

نام نویسنده مسئول:

منیر ناظم زاده

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش سرمایه اجتماعی در باز آفرینی بهسازی و نوسازی بافت تاریخی شهر ساری پرداخته شده است. اهمیت سرمایه اجتماعی در فرآیند نوسازی شهری به عنوان ظرفیت های درونی و ثروت های پنهان در محلات، یک اقدام غیرمتمرکز و از پایین به بالا است. در مباحث مربوط به باز آفرینی شهری یکی از مفاهیم اساسی، سرمایه اجتماعی است، که شاید بتوان در صورت کاربست اصول آن برخی از نیازمندی- های بافت های تاریخی را زنده ساخت. ناحیه تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی به جای مانده از گذشتگان ماست که در طول زمان در هویت بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی ایفا نموده است. این بخش از شهر تجلیگاه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مردمانی است که در دوره های تاریخی مختلف در آن جا، روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده اند. امروزه بافت های کهن شهری به دلیل مواجهه با انواع مسائل و مشکلات و بحران ها به یکی از چالش های اساسی پیش روی مدیران و برنامه ریزان شهری به ویژه در کشورهای جهان سوم تبدیل شده که کشور ما هم از این قاعده مستثنی نبوده است. شده از روش های کتابخانه ای، مطالعه اسناد و مشاهده مستقیم بهره گرفته است تا سرانجام توانست با توجه به زمینه تاریخی برای بازآفرینی محدوده راهکارهای مناسبی نظیر: مرمت نمای بناهای تاریخی در محدوده جهت حفظ ارزش های تاریخی و ارتقاء کیفیت کالبدی، توجه به اصول معماری بومی ساری در ساخت و سازها، ایجاد کاربری های فرهنگی - تاریخی در بناهای تاریخی متروکه موجود، عریض کردن پیاده روها، نورپردازی مناسب آنها و تامین روشنایی کافی در بخش های مختلف و ... را پیشنهاد دهد. مؤلفه های سرمایه اجتماعی شامل شبکه های مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی و تعلق اجتماعی در محلات بافت تاریخی شهر ساری در سطح پایینی و چندان مطلوب قرار ندارد. در نتیجه این شرایط، تحقق برنامه های بازآفرینی در بافت مذکور مبتنی بر تقویت مؤلفه های سرمایه اجتماعی در بین ساکنین بافت تاریخی شهر ساری خواهد بود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، باز آفرینی، بهسازی و نوسازی، بافت تاریخی، شهر ساری.

مقدمه

ناحیه تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی به جای مانده از گذشتگان ما است که در طول زمان در هویت بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی ایفا نموده است. این بخش از شهر تجلی گاه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردمانی است که در دوره های تاریخی در این بخش از شهر، روزگاری سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده اند (زنگی آبادی و مویدفر، ۱۳۹۰: ۲۹۸)؛ بنابراین حفظ، احیاء و باز آفرینی آن ها ضرورتی اجتناب ناپذیر است. باز آفرینی شهری به مفهوم احیاء و تجدید حیات و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است. موضوعی با ابعاد کالبدی و غیرکالبدی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می شود. در واقع یک وجه در باز آفرینی شهری و توسعه درون زای بافت های تاریخی و کهن، تلاش در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی میان بنیان های زندگی اجتماعی در این بافت ها آن هم با استفاده از پویای اجتماعی مردم و مشارکت آن ها است (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴). از این رو یکی از مباحث اجتماعی مهم و تاثیرگذار در باز آفرینی شهری، بحث سرمایه اجتماعی است؛ چرا که امروزه هنگامی که از برنامه ریزی با مشارکت مردم و یا برنامه ریزی از پایین به بالا صحبت می شود، از سرمایه اجتماعی سخن به میان می آید (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۳۸)؛ به نقل از شمس پویا و توکلی نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۸). سرمایه اجتماعی به مجموعه ای از هنجارها، شبکه ها و سازمان هایی اطلاق می شود که مردم از طریق هر یک از آن ها قدرت و توانایی هایی را کسب می کنند، که آن ها را قادر به تصمیم گیری و تدوین سیاست می سازد. طبق این ایده، مشارکت در گروه های اجتماعی، نتایج سودمندی برای فرد و جامعه دارد و زمینه های لازم را برای فعال نمودن اقشار مختلف و ایجاد ظرفیت های مهمی در آن ها فراهم می کند. بنابراین سنجش سرمایه اجتماعی به عنوان بخشی از فرآیند باز آفرینی شهری، با نمودی از میزان تحرک و پویایی نظام اجتماعی و تاثیر بر ابعاد کالبدی- فضایی شهر شناخته شده است و با قابلیت ایجاد هم افزایی در بین جامعه ساکن در فضای شهری توان افزایش کارایی برنامه ریزی و اثر گذاری هدفمند، جهت دستیابی به برنامه های باز آفرینی شهری در ابعاد مختلف را دارا می باشد.

بیان مسأله

شهر همچون هر موجودی زنده دگرگون می شود، پذیرای دگرگونی می شود و آنچه را که به مثابه ابزارهای زندگی روزمره دارد، به دگرگونی وادار می کند؛ و این اصل چنان پر قدرت جاری است که ذات هر شهر دانسته می شود. یکی از مصادیق دگرگونی امروز شهرهای ایران، افت فیزیکی و اجتماعی بخش های تاریخی و بافت های مسأله دار شهری در درون شهرهاست که بر اثر عوامل بیرونی و درونی، با مشکلات عدیده ای مواجه اند و به مرور زمان، کهنه و دچار فرسودگی شده اند (عزیزی و آراسته، ۱۳۸۹: ۲). در حال حاضر زندگی مدرن شهری با تراکم ناموزون جمعیت از یک طرف و تراکم اخلاقی از سوی دیگر، مناسبات و روابط اجتماعی را در این بخش از شهرها سرد و شکننده کرده و باعث کاهش سرمایه اجتماعی و ارتباطات موثر اجتماعی شده است. در چنین فضایی همکاری و همیاری به حداقل رسیده، روابط اعتمادآمیز اجتماعی کاهش و غریبگی افزایش یافته است و همه این مسائل باعث ایجاد فضای بی روح و مانعی برای حفظ و احیای بافت های تاریخی شده است (امین زاده و رضاییگی، ۹۱: ۳۰) عمده ترین مشکلات و محدودیت های بافت های تاریخی در سایر نقاط کشور عبارتند از: گسستن از روابط فرهنگی - اجتماعی رایج در گذشته و در نتیجه عدم هماهنگی نیازهای فرهنگی - اجتماعی جدید ساکنان با کالبد فضایی موجود؛ تمایز آشکار میان شهرسازی گذشته و معاصر در نتیجه عدم تجانس ساختاری بخش های جدید با بافت های تاریخی؛ کمبود خدمات عمومی، تسهیلات و تجهیزات شهری در نواحی تاریخی شهر؛ بی استفاده ماندن عناصر بافت های قدیم شهری و در نتیجه از دست دادن انگیزه برای حفاظت از آن ها؛ خروج تدریجی سرمایه و فعالیت و جایگزینی کارکرد سکونت با کیفیت بسیار نازل؛ گسستن از ضوابط ساخت و ساز در گذشته و فقدان ضوابط و مقررات برای ساخت و ساز جدید؛ دشواری زندگی در بافت های کم تحرک و رها شده و در نتیجه مهاجرت ساکنان قبلی به خارج از بافت (تولایی ۱۳۹۳: ۱ و زنگی آبادی و مویدفر، ۱۳۹۱: ۲۸۹).

هم اکنون شهرهای ایران با مسأله ای به نام بافت های فرسوده و تاریخی شهر درگیر شده اند. که با زندگی جدید شهری و مشخصات یک شهر مدرن ناسازگار و ناهماهنگ است. هر چند این امر ناشی از آن است که برخی محله ها و بافت های شهر از امکانات و عوامل رشد مساوی در طول زمان برخوردار نبوده و نیستند و همین امر سبب به وجود آمدن تفاوت های آشکار در سیمای شهرها و کیفیت محیطی بافت ها شده است و این در حالی است که شهر پایدار و توسعه یافته شهری است که در حین رشد، توسعه و ایجاد فضاهای جدید، ارتباط منطقی و منسجم بین فضاهای جدید و قدیم برقرار نموده و یکپارچگی و هویت شهر را حفظ و تقویت نماید.

بخش عظیمی از بافت تاریخی ساری دستخوش تغییرات ناخواسته بسیاری شده است. بخش قدیمی به تدریج در حال دگرگونی (فرسودگی، تخریب، نوسازی غیر منطقی، جایگزین شدن اقشار اجتماعی جدید) می باشد. طراحی بناها، اعم از مسکونی و غیر مسکونی در ساری به صورت مجزا و بی ارتباط با محیط پیرامون و بدون پیروی از اصولی واحد صورت گرفته اند، هر چند که ممکن است برخی

ساختمان ها واجد ارزش معماری باشند، اما در عمل به مجموعه ای ناهماهنگ در سطح محدوده بدل شده اند. در نهایت، مجموعه عوامل فوق الذکر بر بافت محدوده اثر گذاشته و موجب آشفتگی و نابسامانی فضایی و کالبدی ساختار فعلی آن گردیده است. هرگونه سیاست گذاری در بافت های تاریخی باید برای بازآفرینی، بهسازی و حفاظت تدوین شود تا به ارتقای کیفیت زندگی ساکنان انجامد؛ به همین دلیل، بازآفرینی شهری با توجه به زمینه ی تاریخی ساری، مورد توجه این پژوهش است تا با توجه به بعد زمان و زمینه ای که در آن قرار دارند به بازآفرینی محدوده مطالعاتی پرداخته شود.

اهمیت موضوع مورد پژوهش به منظور پاسخگویی به مشکلات بافت های تاریخی و فرسوده شهری

- باز آفرینی شهری در بسیاری از کشورهای بیشتر و کمتر توسعه یافته در پاسخ به مشکلات شهری (اعم از کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی) بافت های تاریخی و فرسوده شهری مطرح شده است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، هدف از باز آفرینی شهری، بازگرداندن رونق فعالیت در نواحی دچار افت شهری برای فراهم ساختن امکان رقابت شهرها و ارتقای کیفیت عملکرد محیط، در راستای دستیابی به یک توسعه مطلوب است. به دلیل مشابهت مشکلات موجود در نواحی تاریخی و فرسوده شهری ایران با مشکلاتی که باز آفرینی شهری برای پاسخ به آن ها مطرح شده است، آزمون این مفهوم در سطح نمونه مورد اهمیت پیدا می کند.

- اهمیت موضوع مورد پژوهش در پیش برد اهداف برنامه های توسعه شهری: بازآفرینی شهری یکی از انواع روش های برنامه ریزی و مداخله در نواحی دچار افت شهری است. این نوع برنامه ریزی در پیوند با سایر برنامه های فرادست توسعه شهری قرار دارد. به بیان دیگر، بخش مهمی از اهداف برنامه های بازآفرینی شهری از اهداف برنامه های فرادست اخذ می شوند و ارتباط سلسله مراتبی بین آن ها برقرار است. بنابراین موفقیت بازآفرینی شهری در موفقیت سایر برنامه های توسعه شهری اثر مستقیم دارد و شناخت عوامل موثر در پیشبرد اهداف برنامه های بازآفرینی شهری و به کارگیری آن ها یکی از مهم ترین و ضروری ترین اقدامات در طول مراحل مختلف تهیه و اجرای این برنامه ها است. یکی از مهم ترین الزامات اجرای برنامه های بازآفرینی شهری، مشارکت عمومی است و از آن جایی که سرمایه اجتماعی می تواند جوامع را همچون دارایی اولیه در جهت نیل به اهداف بازآفرینی باری رساند، در این راستا سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه هنجارهای نظام اجتماعی از یک طرف موجب ارتقای سطح همکاری های اعضای جامعه با یکدیگر و از طرف دیگر باعث کاهش هزینه های تبادلات می گردد. بنابراین توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی و سنجش آن و شناخت عوامل تسهیل کننده مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری، می تواند امکان تحقق پذیری و یا پیشبرد اهداف برنامه های شهری را افزایش دهد و گامی موثر در جهت حل مشکلات شهری باشد.

- اهمیت موضوع مورد پژوهش از نظر علمی و حرفه ای: مشارکت شهروندان، یکی از عناصر اصلی در برنامه ریزی و مدیریت شهری و از مهم ترین الزامات برای موفقیت در انجام بازآفرینی شهری است. فرآیند بازآفرینی شهری نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای رسیدن به مشارکت عمومی نیازمند ایجاد جنبش اجتماعی در سطح جوامع محلی با مشارکت کلیه دست اندکاران است تا با همکاری و تلاش جمعی، مناطق تاریخی و فرسوده شهری را ارتقا بخشند. یکی از روش های رسیدن به این هدف، استفاده از سرمایه اجتماعی است. بدین ترتیب توجه به سرمایه اجتماعی و اصل مشارکت در ساخت، پرداخت و نگهداری محیط زندگی حائز اهمیت است. به عبارت دیگر ضرورت توجه به جایگاه سرمایه اجتماعی محلات در بازآفرینی آن ها غیرقابل انکار می باشد؛ چرا که در صورت عدم مشارکت مردم و عدم توجه به سرمایه اجتماعی بین ساکنین، بروز مشکلات اجتماعی چون فقدان هویت، بدبینی مردم به مسئولین، عدم حس تعلق اجتناب ناپذیر خواهد بود. پس بجاست که این روش به عنوان یکی از روش های تقویت مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری، در سطح یک مطالعه موردی آزمون شده و نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود و در صورت کارایی آن در سطح نمونه موردی، به عنوان یک روش آزمون شده در جامعه حرفه ای و متخصص شهرسازی مطرح و مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش:

تاوانبولسی^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، در مقاله ای زیر عنوان «روندهای جدید در فرآیندهای بازآفرینی شهری: سرمایه فرهنگی به عنوان منبع انباشت سرمایه انسانی و اجتماعی؛ شواهدی از نمونه موردی توهو در مونترآل» به رابطه بین سرمایه گذاری ها در منابع/فعالیت های فرهنگی و فرآیندهای بازآفرینی شهری و اینکه چگونه فرهنگ می تواند به عنوان عامل تعیین کننده در انباشت سرمایه انسانی و اجتماعی مطرح باشد، می پردازند. در ارتباط با این موضوع، دگرگونی حوزه سن میشل در مادرشهر مونترآل بررسی می شود. این مقاله با تکیه بر

¹ Tavano Blessi

مرور مباحث نظری و بررسی تجربی، به تشریح نقش سرمایه‌گذاری فرهنگی در شکل‌گیری الگوواره اجتماعی پایدار در حال ظهور در اجتماع محلی می‌پردازد؛ سرمایه‌گذاری که هدف آن ارتقای توسعه سرمایه اجتماعی و انسانی است. این پژوهش نشان می‌دهد که سازمان‌ها چنانچه بخواهند شاهد تغییرات باشند، لازم است اقدامات فعالانه‌ای داشته و مشارکت جامعه محلی را بسیار جدی‌تر دنبال کنند. نمونه موردی این پژوهش روشن‌گر این واقعیت است که با سرمایه‌گذاری جدی در بسیج مردم، اطلاع‌رسانی محلی و ترویج و هم‌چنین ارتقای همکاری بین سازمان‌های اجتماع محلی برای دستیابی به شکلی از پیوند و اتصال با جمعیت محلی، انتظار می‌رود اثرات مثبتی در همگرایی اجتماع محلی برجای گذاشته و به‌عنوان اهرمی در توسعه اجتماعی-اقتصادی عمل کند.

کیم^۲ (۲۰۱۰)، در پژوهشی زیر عنوان «توسعه نیافتگی محله و بهداشت روان: نقش به‌هم‌ریختگی نظام همسایگی و روابط اجتماعی»، نشان می‌دهد ساکنان محله‌هایی که روابط اجتماعی ضعیف و اختلال محله‌ای بیشتری دارند، سطوح بالاتری از پریشانی روانی دارند، نسبت به ساکنان محله‌هایی که روابط اجتماعی بهتر و اختلال محله‌ای کمتری دارند. کیم بر پایه یافته‌های این پژوهش استدلال می‌کند که محله از سه طریق با افسردگی ارتباط دارد: ۱. وضع نامساعد محله به‌طور مستقیم افسردگی را افزایش می‌دهد. ۲. وضع نامساعد محله به‌طور غیرمستقیم از طریق بی‌نظمی در نظام همسایگی بر سلامت روان تأثیر می‌گذارد. ۳. وضع نامساعد محله به‌طور غیرمستقیم از طریق روابط اجتماعی بر سلامت روان تأثیرگذار است.

بیلی^۳ (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای زیر عنوان «ادراک مقتدر سازی اجتماع منسجم محلی در بازآفرینی شهری و برنامه ریزی شهری در انگلستان: نهادن سیاست و عمل در زمینه» معتقد است که درگیری جامعه در زمینه‌های برنامه‌ریزی شهری و بازآفرینی شهری، طیف وسیعی از فرصت‌ها را برای ساکنان و کاربران خدمات در بر دارد تا توسط شبکه‌ها، همیاری‌ها و مراکز قدرت به‌کار گرفته شوند. مجموعه اصطلاحات و درجه انتقال قدرت به شهروندان در زمینه‌ها و مناطق سیاسی گوناگون، متفاوت است، اما پنج موضوع هسته‌ای را می‌توان شناسایی کرد. این مقاله با جستجو در ادبیات نظری، بازبینی اعلامیه رسمی اخیر در رابطه با درگیری اجتماع در انگلستان و توسط بحث اخیر بر روی دو پروژه شهری در انگلستان، به موضوع مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی دست می‌یابد. در نهایت پیشنهاد می‌دهد که مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی احتمالاً همیشه بخشی و مشروط بر شرایط محلی و زمینه وسیع‌تر است.

شمس پویا و توکلی نیا (۱۳۹۴)، پژوهشی زیر عنوان «تحلیل سرمایه اجتماعی با تأکید بر مشارکت شهروندی و پاسخگویی مدیران شهری»، را با هدف تحلیل و بررسی وضعیت و رابطه بین مولفه‌های مشارکت شهروندی و پاسخگویی مدیران شهری انجام داده‌اند. روش تحقیق آن توصیفی - تحلیلی بوده که در بخش نظری از مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش موردی تحقیق از پیمایش و تکنیک پرسشنامه بهره گرفته شده است. نتایج حاکی از آن است که وضعیت مشارکت شهروندی و پاسخگویی شهروندان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. پس با بالا رفتن مولفه پاسخگویی مدیران شهری می‌توان شاهد بالا رفتن مشارکت شهروندی نیز بود و عکس آن نیز صادق است.

زیاری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی زیر عنوان «برآورد و سطح بندی توسعه محله‌ای با تأکید بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی»، برای سنجش سرمایه اجتماعی از چهار شاخص اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه اجتماعی در قالب ۳۱ گویه استفاده کرده‌اند. بر اساس یافته‌های کمی این پژوهش مشخص گردید که ساختار محلات نه گانه شهر ابرکوه به گونه‌ای است که محلات جدید نسبت به محلات قدیمی شهر و محلات مرکزی شهر نسبت به محلات پیرامونی شهر از میزان سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. در محلات جدید به دلیل تمرکز بیشتر کارمندان، قشر باسواد و جوان جامعه و کاهش میزان بزه نسبت به سایر محلات از میزان اعتماد و سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار بوده است.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی^۴: سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان توانایی افراد برای کار با یک‌دیگر به‌منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه و سازمان تعریف کرد و از آن به‌عنوان یک ابزار برنامه ریزی برای ایجاد مشارکت مؤثر شهروندان در مراحل مختلف توسعه پروژه‌ها یاد کرد (Arbab, 2011:16; Fukuyama, 1995: 10). سرمایه اجتماعی با تأکید بر شبکه‌ای شدن، تقویت اعتماد و روابط اجتماعی و ایجاد تغییر در نگرش مردم و گروه‌ها در داخل جامعه نقش زیادی در توسعه بر عهده می‌گیرد (Gulumser et al., 2012: 4). سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان شبکه و ارزش‌های اجتماعی باشد که می‌تواند افراد و جوامع را برای رسیدن به اهداف مشترک در یک راه مؤثر و کارآمد یاری رساند (Trimurni Maas et al., 2015: 721)

² Kim

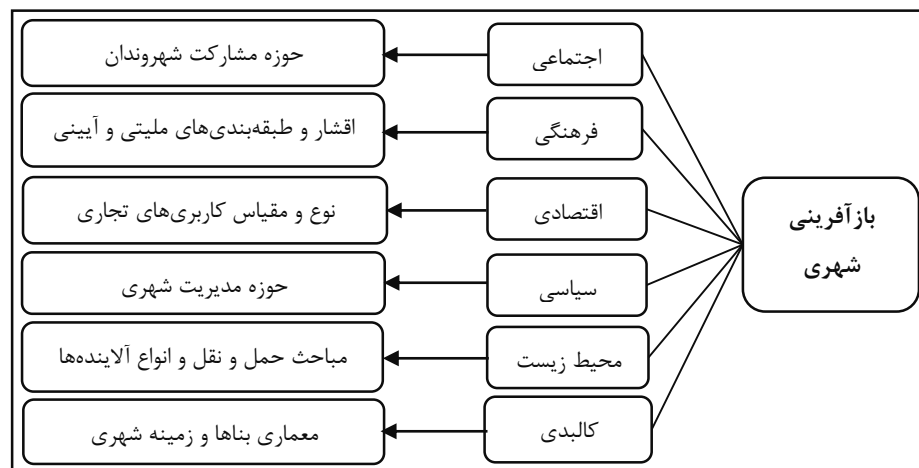
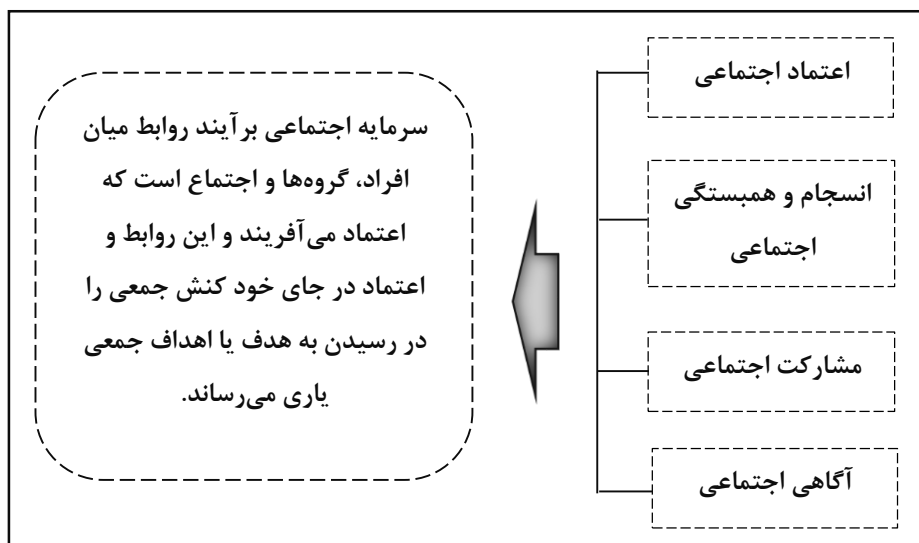
³ Bailey

⁴ Social Capital

بازآفرینی شهری^۵: بازآفرینی شهری یک دیدگاه و عمل جامع و یک پارچه است که به راه حل‌هایی برای مشکلات شهری منجر می‌شود و در صدد ایجاد یک اصلاح بادوام و مستمر در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیط زیستی منطقه موضوع تغییر، است (Roberts, 2000:17). هدف اصلی بازآفرینی شهری یعنی کشف نیروها و عواملی که افت شهری را به وجود آورده‌اند و اتخاذ واکنش مثبت و پایداری که به بهبود مستمر کیفی حیات شهری منجر می‌گردد (نوریان و آریانا، ۱۳۹۱: ۱۰).

بافت تاریخی^۶: بافت هر شهر کمیتی پویا و در حال تغییر است که وضع کالبدی شهر و چگونگی رشد و گسترش آن را در طول زمان نمایان می‌سازد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۸۲). بافت تاریخی محدوده‌ای از سیستم شهری موجود است که قبلاً خودش یک شهر تاریخی بوده و در دوره‌های مختلف تاریخی حضور داشته، در آن زندگی در جریان بوده و سیستمی با مشخصات کاملی از نظر ساخت و ساز، عملکرد، هویت، جامعه انسانی و عوامل طبیعی در آن در جریان بوده است و هنوز شواهدی از این شهر تاریخی در شهر فعلی به جا مانده که اصطلاحاً به آن بافت تاریخی می‌گویند (مجابی، ۱۳۹۰ به نقل از قادری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

شکل شماره (۱) مدل مفهومی شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی در بافت‌های شهری



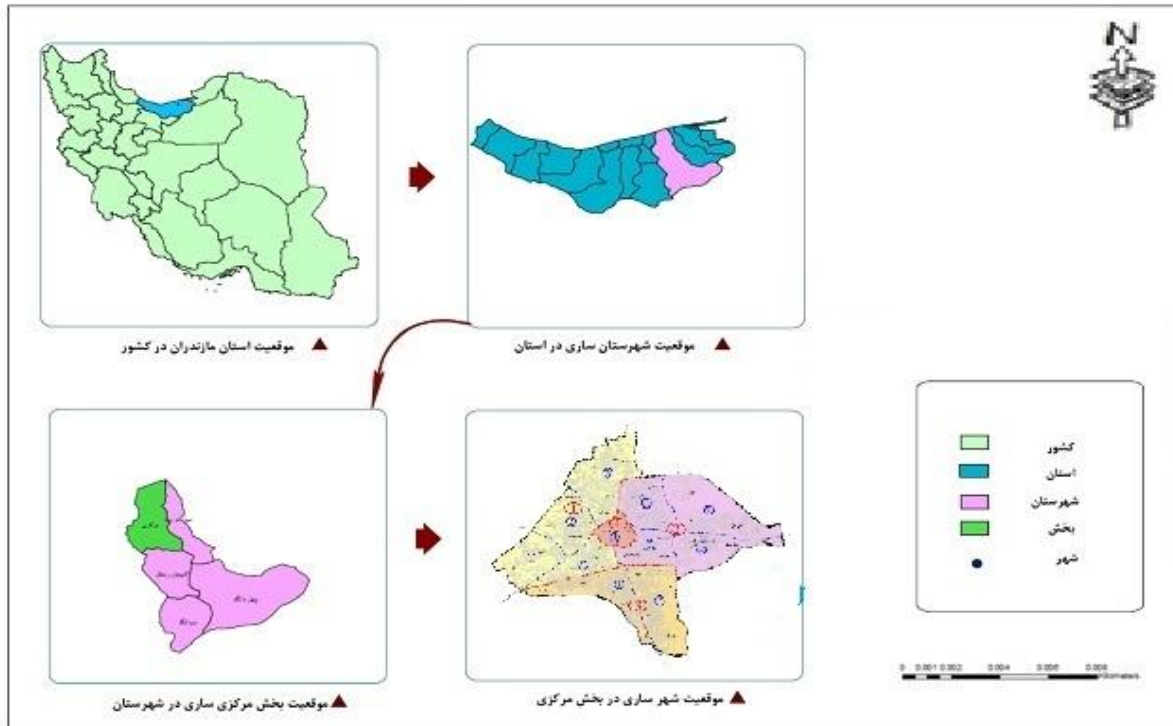
شکل شماره (۲) مدل مفهومی بازآفرینی شهری از منظر عوامل تاثیرپذیر

⁵ Urban Regeneration

⁶ Historical Context

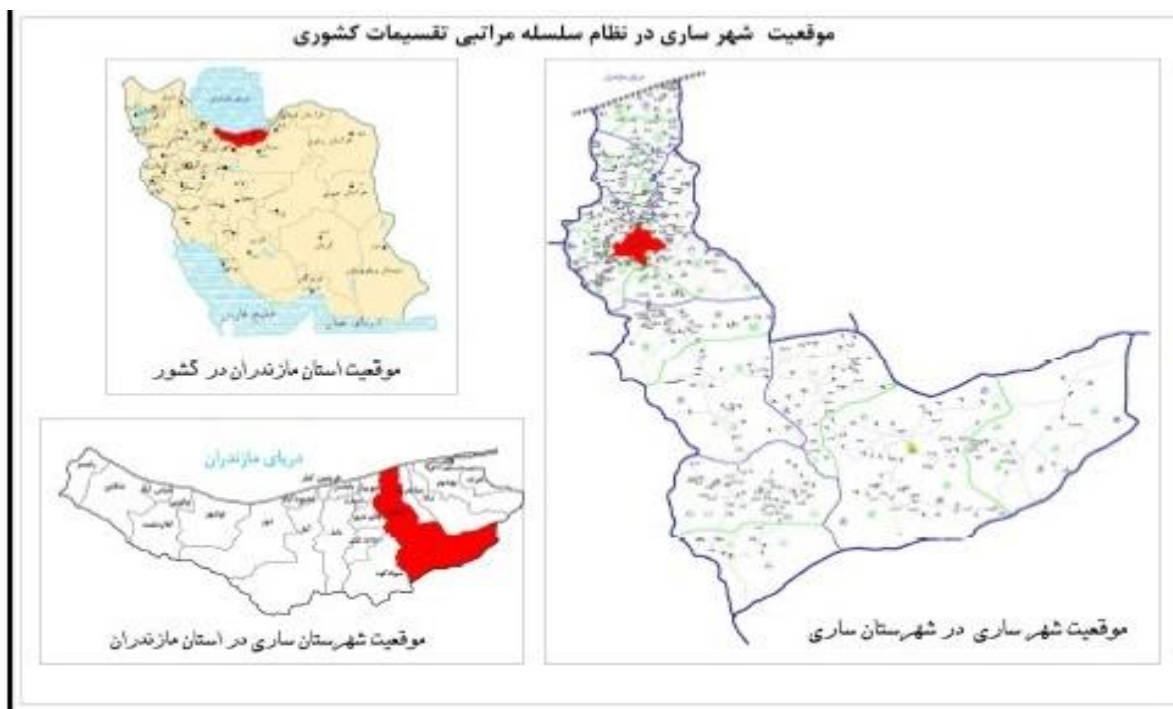
محدوده مورد مطالعه:

شهر ساری از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول ۵۳ درجه و ۳ دقیقه شرقی و عرض ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه شمالی واقع شده است. این شهر از سمت شرق به شهر نکا، از غرب به شهر قائمشهر، از جنوب به رشته کوه‌های البرز و از شمال به دریای خزر می‌رسد. ارتفاع شهر از سطح دریاهای آزاد ۱۸/۵ متر و اختلاف مسافت آن تا ساحل دریای مازندران ۲۴ کیلومتر می‌باشد. این شهر به عنوان مرکز استان مازندران و شهرستان ساری بر سر راه تجارتي و توریستی تهران به سواحل جنوب شرقی دریای مازندران و شهرستان های شمال شرقی کشور قرار دارد و به دلیل موقعیت سیاسی - اداری دارای اهمیت و اعتبار خاصی است، از طریق راه آهن سراسری و آسفالت با تهران و سایر استان های کشور ارتباط دارد .



شکل (۳) موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

شکل (۴) موقعیت شهر ساری در نظام سلسله مراتبی تقسیمات کشوری



مأخذ: طرح جامع شهر ساری، ۱۳۹۴

یافته‌های پژوهش

بافت‌های تاریخی شهری به مرور زمان و در اثر عوامل طبیعی، اجتماعی، محیطی و عدم تطابق با شرایط زندگی عصر حاضر دچار فرسودگی و زوال شده‌اند، اما هم‌چنان به دلیل وجود ارزش‌های اجتماعی و کالبدی (وجود عناصر واجد ارزش تاریخی) مورد توجه هستند. از این رو مرتفع ساختن مشکلات بافت‌های تاریخی و فرسوده منحصراً وظیفه مدیران و متولیان شهری نبوده و برای بازگرداندن رونق به این بافت‌ها می‌بایست با ساکنین ارتباطی دو سویه بر مبنای همکاری ایجاد گردد. در واقع، وجود ساکنین به‌عنوان سرمایه‌ای ارزشمند تلقی می‌گردد که از آن‌ها به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی یاد می‌شود. سرمایه اجتماعی به مثابه‌ی مجموعه‌ای از هنجارها از یک طرف موجب ارتقای سطح همکاری‌ها بین اعضای جامعه می‌گردد و از طرفی دیگر باعث ایجاد پیوندی دو سویه بین ساکنین و مسولین می‌شود. با وجود این ارتباط و سرمایه می‌بایست از برنامه و رویکردی جهت محقق شدن بازآفرینی و بازگرداندن حیات به محلات فرسوده و تاریخی استفاده کرد؛ از این رو، هدف این تحقیق بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری به دنبال سنجش و تعیین سرمایه اجتماعی و نحوه اثر گذاری آن در بافت مذکور می‌باشد.

جدول شماره (۱): بررسی مشکلات، اهداف، راهبردها و سیاست‌های اسناد فرادست و برنامه‌های پیشین بافت تاریخی

سیاست‌ها	راهبرد	اهداف	بررسی مسائل و مشکلات	
<p>ایجاد هماهنگی بین بناهای قدیمی و جدید</p> <p>الاحداث از طریق کنترل شهرداری و نظارت دقیق بر امور ساختمانی</p> <p>احیای بازار جهت ایفای نقش و عملکرد گسترده‌تر در سطح شهر</p> <p>ایجاد فضاهایی جهت تماس‌های ضروری زندگی شهری</p> <p>افزایش تراکم و ارتفاع در خیابان‌های حلقه پیرامونی بافت به منظور افزایش کاربری مسکونی</p> <p>تشخیص دقیق میزان انطباق ساختار کالبدی موجود با خواست مردم نگاه سیستمی به مجموعه بافت قدیم و در نظر گرفتن ارتباطات و تعاملات دو سویه بافت پیرامون کل شهر ساری</p>	<p>تهیه برنامه و طرح واحد و جامع احیاء بهسازی منطقه با رعایت قابلیت انعطاف پذیری طرح‌ها</p> <p>برنامه ریزی جهت حفظ عملکردهای اصیل</p> <p>تاکید عمده بر عملکرد سکونت و توجه به خصوصیات آن</p> <p>تاکید عمده بر عملکرد سکونت و توجه به خصوصیات آن</p> <p>کنترل دقیق امور ساختمانی در جهت ایجاد هماهنگی بین بناهای قدیمی و جدیدالاحداث</p> <p>تقویت کالبدی بازار و نوسازی و مرمت بازارهای کهنه</p> <p>احیاء و تزریق عملکردهای جدید به عناصر و آثار تاریخی ارزشمند بافت تاریخی با هدف بهره ور سازی و استفاده در جهت تحقق اهداف توسعه شهر و منطقه تاریخی</p>	<p>رفع هجران زدگی و جدامانندگی منطقه تاریخی و ایجاد ارتباط مناسب با شهر و مناطق پیرامون</p> <p>بهره‌گیری از موقعیت و استعدادهای ویژه منطقه تاریخی - فرهنگی در جهت تحقق چشم اندازها و اهداف کلان طرح ساختاری - راهبردی ساری</p> <p>بسترسازی زندگی و سکونت رفاه مند در منطقه به ویژه در عمق بافت تاریخی منطقه</p> <p>احیاء، مرمت، تجهیز و تقویت ستون فقرات و استخوان بندی اصلی بافت تاریخی با توجه به تحولات و دگرگونی‌های اخیر</p> <p>حفظ ارزش‌های فضایی و تاریخی در محدوده و حفظ هویت اصیل منطقه تاریخی</p> <p>توجه به عناصر شاخص و با ارزش و لزوم نمایان‌تر کردن آن‌ها</p>	<p>کیفیت نازل بخش وسیعی از ابنیه بافت تاریخی</p> <p>تخریب و آسیب پذیری جدی عناصر کالبدی با ارزش در نتیجه همجواری با بافت‌های فرسوده و کهنه</p> <p>تبدیل بی‌برنامه بخش وسیعی از بافت‌های مسکونی به فعالیت‌های پشتیبانی - تجاری و کارگاه‌های تولیدی</p> <p>ریزدانه بودن قطعات و ترکیب نامتناسب آن‌ها</p> <p>عدم ارتباط و انسجام بافت تاریخی - فرهنگی با سایر مناطق همجوار</p> <p>فرسودگی بیش از حد بناهای با ارزش تاریخی و بی استفاده ماندن آن‌ها</p> <p>افزایش رو به رشد فرسودگی واحدهای مسکونی و عدم تطبیق این واحدها با نیازهای معاصر</p>	کالبدی
<p>کمک به ایجاد و توسعه سازمان‌های غیر دولتی و اجتماعات محلی و واگذاری تدریجی نقش و کارکردهای محلی به آن‌ها</p> <p>تهیه و اجرای هدایت شده پروژه های نوسازی و بازسازی متناسب با بافت تاریخی و بامشارکت نهادهای مردمی</p> <p>بازآفرینی فضاهای جمعی در قالب مراکز خدمات محلی و ناحیه‌ای با هدف</p>	<p>تقویت درونی و نیروهای اصیل بومی ساکن در بافت</p> <p>حفظ اقشار اصیل اجتماعی در منطقه و به موازات آن در پیش گرفتن تدابیری به منظور بازگرداندن اقشاری که منطقه را ترک گفته‌اند</p> <p>بهبود و خدمات زیستی و ارتقاء سطح خدمات زیربنایی و روبنایی در منطقه</p> <p>بسترسازی تدریجی اسکان اقشار ویژه (هنرمندان، دانشگاهیان و روشنفکران)</p>	<p>تثبیت و ایجاد توازن و تعادل در ترکیب جمعیت و ساختار اجتماعی ساکنان بافت</p> <p>بسترسازی امنیت و ایمنی اجتماعی به عنوان زمینه اصلی رونق بخشی سکونت و فعالیت در منطقه</p> <p>زمینه سازی رشد و ارتقاء حیات اجتماعی و مدنی در نواحی مختلف منطقه</p> <p>ایجاد توازن و تناسب بین سکونت و فعالیت در منطقه</p>	<p>مهاجرت ساکنین بومی و اصیل از منطقه و جایگزین شدن اقشار اجتماعی جدید بدون داشتن حس تعلق به محیط منطقه</p> <p>سرمایه اجتماعی پایین، ضعف در حس مشارکت، عدم احساس تعلق به مکان</p> <p>پایین بودن ضریب امنیت اجتماعی در منطقه</p> <p>بالا بودن تراکم جمعیتی و ترکیب نامتناسب آن در بافت تاریخی توأم با رشد</p>	اجتماعی

تقویت و ترویج احساس تعلق محله‌ای و مکانی	- زمینه سازی گسترش تعلق به مکان و تعهد شهروندی در منطقه و افزایش میزان نظارت غیر رسمی در منطقه	- جلوگیری از خروج نیروهای اصیل و بومی از بافت	منفی و جوانی جمعیت و افت هویتی جمعیت - روند نزولی رشد جمعیت
---	---	---	---

منبع: مطالعه نگارندگان

ادامه جدول شماره (۲): بررسی مشکلات، اهداف، راهبردها و سیاست‌های اسناد فرادست و برنامه‌های پیشین بافت تاریخی

سیاست‌ها	راهبرد	اهداف	بررسی مسائل و مشکلات	
<p>- افزایش سرانه کاربری- های تجاری</p> <p>تقویت بازار، خدمات رسانی و تجهیز آن</p> <p>- بهبود خدمات زیربنایی و رو بنایی در منطقه</p>	<p>- تقویت کارگاه های تولیدی واقع شده در بازار و داخل بافت توسط دولت</p> <p>- تزریق درآمد از خارج شهر ساری به بافت در جهت رونق تجاری</p> <p>- تقویت و گسترش بازار شهر، تقویت کالبدی بازار و نوسازی و مرمت بازارهای کهنه</p> <p>- تقویت، توسعه و ایجاد عملکردهای ویژه و یگانه در منطقه</p> <p>- ترغیب سرمایه گذاری وسیع پس اندازهای خانوارها در داخل بافت</p>	<p>- هماهنگی برنامه های نوسازی با امکانات اقتصادی و مراحل توسعه شهر</p> <p>- تهیه برنامه نوسازی به منظور تشویق سرمایه گذاری در منطقه</p> <p>فعالیت بخشیدن به توان‌های بالقوه اقتصادی</p> <p>- تقویت کارکرد توریستی و گردشگری</p> <p>- ساماندهی و هدایت نظام عملکردی - فعالیتی و مهار رشد خودرو و بی برنامه فعالیت ها در منطقه</p>	<p>- ضعف عملکردی بازار تاریخی شیراز و کاربری- های پشتیبان تجاری در ارائه خدمات به ساکنین</p> <p>- روند نزولی نقش بازار مرکزی و تاریخی به دلیل ضعف در سرمایه اقتصادی و فقدان زمینه و انگیزه مناسب جهت سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی</p> <p>- کاهش امکانات اشتغال و بی رونقی کارگاه‌های تولیدی و فرسودگی کالبدی در نتیجه تغییر عملکرد</p>	اقتصادی
<p>- جمع‌آوری آب‌های سطحی و زباله و همچنین ساخت بدنه‌های مقاوم و مناسب</p> <p>- جانمایی فضای سبز و کمربندی‌های سبز با توجه به طراحی شبکه معابر و نوع دسترسی‌ها در سطح شهر</p> <p>- مشارکت بخش خصوصی در ایجاد فضای سبز</p>	<p>- تاکید بر فضای سبز محوطه‌های فرهنگی - تاریخی و حفظ و احیاء هویت تاریخی این مکان‌ها</p> <p>- انتقال صنایع و کارگاه‌های آلاینده</p> <p>- حفاظت و ارتقاء پوشش گیاهی بومی و هویت بخشی در خانه‌های قدیمی</p> <p>- احداث سیستم جمع‌آوری فاضلاب</p> <p>- تقویت شبکه آبرسانی و احداث فضاهای سبز</p>	<p>- بهبود عوامل محیطی شهر و ارتقاء کیفیت محیطی</p> <p>- کنترل آلاینده های محیطی</p> <p>- تامین بهداشت محیط و ارتقاء استانداردهای کیفی آن</p> <p>- پایداری محیط طبیعی و کیفیت زیست محیطی</p> <p>- تامین و توسعه فضای سبز عمومی</p>	<p>- بالا بودن سطح آب های زیرزمینی</p> <p>- وجود فضاهای مخروبه متعدد در سطح بافت و آلودگی بصری و محیطی</p> <p>گسترده در سطح منطقه</p> <p>- فقدان سیستم دفع فاضلاب و آب های سطحی در منطقه</p> <p>- کمبود شدید فضای سبز و باز عمومی در سطح منطقه</p>	زیست محیطی

منبع: مطالعه نگارندگان

جمع بندی

در تحقیق حاضر، تعاریف مفهومی و عملیاتی خاصی از سرمایه اجتماعی که مورد توافق بسیاری از نظریه‌پردازان است، مبنای تدوین پرسش‌نامه و تعیین مولفه‌های آن قرار گرفته است؛ بنابراین سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل و یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. با توجه به این موضوع، در این تحقیق نیز از سرمایه اجتماعی و اصول مفاهیم آن به عنوان یکی از ارکان زمینه ساز تحقق بازآفرینی شهری استفاده شده است. شبکه‌های مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی و تعلق اجتماعی از جمله مولفه‌های پایه و اصلی برای تعریف متغیرهای لازم در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی تعیین و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این راستا هر یک از مولفه‌های بیان شده در بافت تاریخی- فرهنگی

مورد ارزیابی قرار گرفته است و توام با این ارزیابی مقایسه نتایج به دست آمده در هر مولفه با نتایج نظریات اندیشمندان متخصص در این حوزه به شرح زیر صورت پذیرفته است.

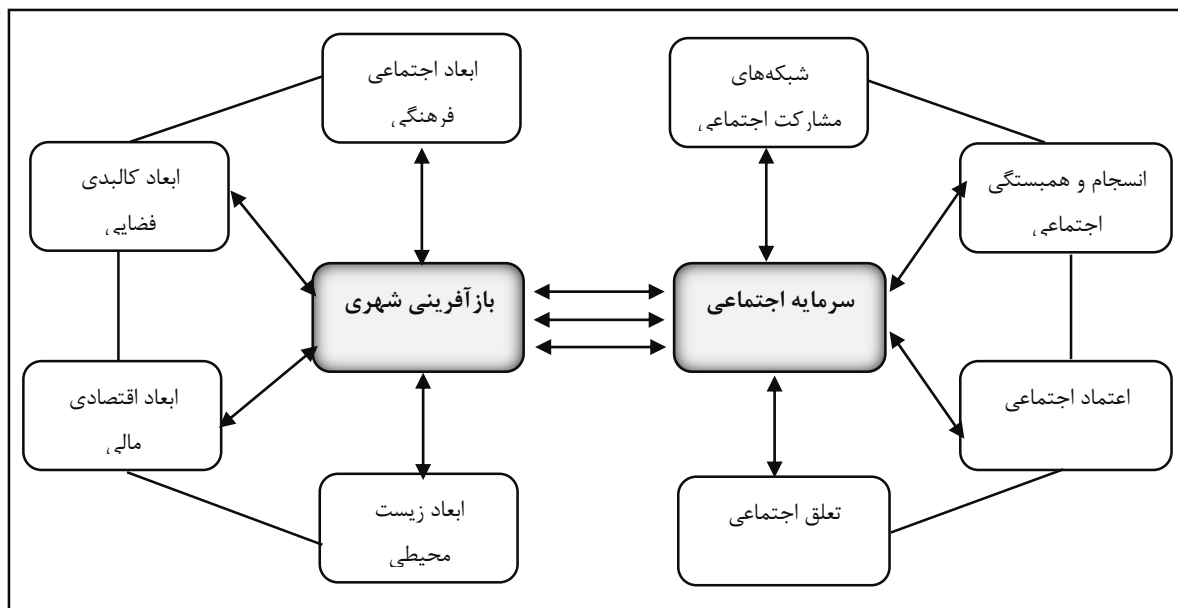
پاتنام معتقد است که شبکه‌های مشارکت اجتماعی موجب تشکیل بخش مهمی از ذخیره‌ی سرمایه اجتماعی می‌شوند، زیرا تکرار و پیوند درونی داد و ستدهای اجتماعی را گسترش می‌دهند و این امر موجب تقویت همکاری‌های متقابل می‌شود؛ هنجارهای قوی همکاری متقابل را تقویت می‌کنند؛ ارتباطات را تسهیل و به گردش اطلاعات افراد قابل اعتماد کمک می‌کنند. در واقع هر چه این شبکه در جامعه‌ای متراکم‌تر باشد احتمال بیش‌تری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. باتوجه به این موضوع، یافته‌های تحقیق حاضر نشان‌گر این است که میزان شبکه‌های مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) در محلات بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری در سطح مناسبی قرار ندارند و از میان متغیرهای این شاخص، تنها میزان همکاری مردم با گروه‌های مذهبی و مشارکت در حل مشکلات محله تقریباً متوسط بوده است. این موضوع مبین آن است که مولفه پیونده در این محبت همکاری با گروه‌های مذهبی می‌باشد و خلا بسیار بزرگی در بخش‌های غیر مذهبی جهت ایجاد همکاری بین ساکنین وجود دارد. فوکویاما، گیدنز و پاتنام معتقدند که *اعتماد اجتماعی* و تأثیر آن بر فرآیند توسعه، زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌باشد و هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است. هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیش‌تری خواهد داشت؛ حال آن‌که نتایج تحقیق بیان‌گر آن است که شاخص اعتماد اجتماعی در بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری در سطح نامطلوبی قرار دارد؛ با این تفسیر که اعتماد بین شخصی و تعمیم یافته با شدت پیوند فامیلی رابطه مستقیم دارد، در واقع با حرکت از سمت خانواده به سوی سطوح بالاتر (خویشاوندان، دوستان، همکاران، همسایگان، هم‌محله‌ای‌ها، هم‌شه‌ریان)، کم‌رنگ‌تر می‌شود و این موضوع در رابطه با اعتماد نهادی نیز صادق می‌باشد؛ این امر لزوم بازنگری در سیاست‌های اجتماعی نهادهای مختلف جامعه و برنامه‌ریزی و تلاش در جهت اعتمادسازی در بین مردم و مسولین را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

بیرو و گیدنز معتقدند که *همبستگی و انسجام اجتماعی*، احساس مسئولیت بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. در واقع انسجام اجتماعی با تغییر شیوه زندگی ملزم بوده که در آن قبول تعهد و مسئولیت فردی و جمعی حاکمیت یابد. یافته‌های تحقیق مبین آن است که همبستگی و انسجام اجتماعی تنها در شرایط بحرانی (بلای طبیعی و غیرطبیعی) از سوی ساکنین بروز داده می‌شود. متأسفانه این عدم تعهد یکی از عوامل زمینه ساز آسیب‌های اجتماعی در بافت تاریخی شده است که از نمودهای آن می‌توان وجود بزهکاری و کج روی‌های اجتماعی را نام برد.

گیدنز و پاتنام معتقدند که از نظر اجتماعی فضای فیزیکی، زندگی مردم و رویارویی آن‌ها با فرآیندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه‌های اجتماعی و فرآیندها و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن‌ها زمینه‌ساز بروز نوعی از پیوندهای مکانی - محیطی می‌باشند که از منظر پیوندهای اجتماعی و ارتقاء آن، بر مفهوم تعلق خاطر به مکان موثر خواهد بود؛ بنابراین حس تعلق عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می‌کند و وحدت به وجود می‌آورد. عمدتاً حس *تعلق اجتماعی* بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد؛ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص تعلق اجتماعی در بین ساکنین بافت تاریخی - فرهنگی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، زیرا میزان تمایل به ترک محله در بین ساکنین بیش‌تر از حد متوسط بوده و در واقع اکثر آنان علاقه‌مند به ترک محله و محل سکونت خود می‌باشند. این تمایل به خروج برخاسته از عدم رضایت‌مندی آن‌ها از محل سکونت خود می‌باشد؛ چرا که کیفیت زندگی بافت با گذر زمان افت پیدا کرده است. بزرگ‌ترین عامل این افت کیفیت عدم تطابق شرایط بافت با نیازهای عصر حاضر می‌باشد.

هرچه تحولات جامعه سمت و سوی مردمی‌تر به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرآیند تکامل اجتماعی بیش‌تر آشکار می‌شود. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می‌شود. اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مواد اولیه سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که ارتباطی عمودی با هم دارند؛ بدین معنا که در سایه تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی شکل می‌گیرد؛ اعتماد به وجود آمده به انسجام اجتماعی منجر می‌شود و در نهایت، اعتماد و انسجام حاصله در قالب شبکه‌های اجتماعی (رسمی و غیررسمی) به جریان مشارکت در برنامه‌های بازآفرینی شهری ختم می‌شود. از طرفی سرمایه اجتماعی با دیگر مولفه‌ها و ملزومات محقق شده برنامه‌های بازآفرینی ارتباطی افقی و پیوسته دارد؛ بدین معنا که اگر سرمایه اجتماعی در اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری به کار گرفته نشود خروجی برنامه‌ها با شکست مواجه خواهد شد و دوباره همان اتفاق نگرش از بالا به پایین در برنامه‌ها حادث می‌شود و در نهایت فقدان موفقیت طرح‌ها و برنامه‌ها مسجل می‌گردد.

در شکل شماره (۵) روابط بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و بازآفرینی شهری قابل مشاهده است.



شکل ۵- مدل مفهومی روابط بین سرمایه اجتماعی و بازآفرینی شهری از منظر نگارندگان

بر اساس یافته‌های نظری تحقیق می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی به شیوه‌های مختلفی قابل تقسیم‌بندی است، یکی از مهم‌ترین این شیوه‌ها که مبتنی بر نوع و قوت پیوندهای اجتماعی میان افراد است، سرمایه اجتماعی را بر سه قسم می‌داند:

۱. سرمایه اجتماعی پیوند دهنده: روابط میان افراد در گروه‌های هم جنس مثل اعضای خانواده، دوستان نزدیک که روابط قوی و محکمی میان آن‌ها برقرار است و با تاکید بر انسجام درونی به حذف غریبه‌ها می‌پردازد.
۲. سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده: این نوع سرمایه اجتماعی، ارتباطات طولانی مدت را در برمی‌گیرد و پاتنام این نوع سرمایه را برای تعریف ارتباط میان گروه‌ها با هم و با گروه‌های غریبه به کار می‌برد.
۳. سرمایه اجتماعی اتصال دهنده: این نوع سرمایه اجتماعی پیوندهای عمودی مردم در جامعه با نیروهای ارتباطی موجود در آن مانند پیوندهای میان اقدار کم درآمد اجتماعی و نهادهای دولتی ارائه دهنده خدمات را نشان می‌دهد.

اکنون با استناد به یافته‌های نظری و عنایت به نتایج عملی می‌توان گفت که: سرمایه اجتماعی موجود در بافت تاریخی - فرهنگی شهر شیراز در زمره سرمایه اجتماعی پیوند دهنده می‌باشد؛ چرا که روابط در گروه‌های هم جنس (اعضای خانواده، نزدیکان) نسبت به گروه‌های غیرهمجنس از شدت بسیار بالاتری برخوردار است. در نتیجه سرمایه اجتماعی به صورت درون گروهی و توأم با اعتماد اجتماعی محدود، موجود است. برنامه‌های بازآفرینی مصوب و اجرا شده در بافت تاریخی تا به امروز اکثریت به صورت از بالا به پایین، غیرمشارکتی و از نوع بازآفرینی فرصت طلبانه به معنای تمایل سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی برای دستیابی به سود هر چه بیشتر با اجرای پروژه‌های بزرگ می‌باشد، این موضوع موجبات فرسایش و تنزل سرمایه اجتماعی در این بافت را فراهم آورده است. از آنجایی که بازآفرینی بافت‌های تاریخی شهری بر پایه به‌کارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در بافت‌های شهری و استفاده از سرمایه اجتماعی تاکید دارد، بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری نیازمند ایجاد و ارتقای سرمایه‌های اجتماعی اتصال دهنده و ارتباط دهنده می‌باشد. بنابراین لزوم توجه هر چه بیشتر به ایجاد ارتباط بین نهادهای تصمیم‌گیر و ساکنین بافت به‌عنوان ذینفع‌ترین گروه موجود احساس می‌شود. هم‌چنین ایجاد روابط دوستانه و بر پایه همکاری‌های چندجانبه بین گروه‌های مختلف نژادی، قومی، زبانی و غیره در بافت از ضروریات تقویت سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود؛ تا بازآفرینی به معنای واقعی در بافت حادث گردد و بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری در کنار تاریخی بودنش پاسخ‌گوی نیازهای ساکنین خود بر اساس استانداردهای روز باشد.

نتیجه این تحقیق، بیان‌گر وجود رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی با سطح تمایل ساکنین به مشارکت در برنامه‌های توسعه و بازآفرینی بافت تاریخی - فرهنگی شهر از و میزان رضایتمندی ساکنین از طرح‌های مذکور است. به این معنا که افزایش سطح مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح محلات این بخش از شهر همسو و همراه با افزایش رضایتمندی و تمایل به مشارکت مردم در

بازآفرینی و توسعه بافت تاریخی - فرهنگی شهر خواهد بود. بر این اساس لزوم توجه به تقویت سرمایه اجتماعی در بین مردم به طور عام و در بین ساکنین بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری بیش از پیش روشن می‌گردد.

با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی اصلی‌ترین رکن برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی شهری است چرا که بدون وجود سرمایه اجتماعی هیچ طرح و برنامه‌ای نمی‌تواند ادعای موفقیت داشته باشد؛ بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع برنامه‌های پیشنهادی می‌بایست احراز کننده شرایط و چارچوب زیر باشد:

- برنامه‌ها حاوی راهبرد باشند (هدف و مسیر رسیدن به آن را کاملاً مشخص کنند) و نقش راهبردی محله را در کل بافت مشخص کنند؛

- مشارکت واقعی و سهم‌بری تمام ذینفعان به‌ویژه قشرهای فقیرتر را تضمین کنند (اولین گام آگاهی رسانی کامل، دقیق، درست و سهل‌الوصول و محرم دانستن شهروندان، از اهالی گرفته تا متخصصان، است)؛

- حتی‌الامکان سکونت اهالی را در بافت و محله هدف حفظ کنند یا اقلاً برای اسکان هر گروه از اهالی، برنامه مشارکتی و قابل‌اجرایی در نظر بگیرند؛

- جنبه‌های برجسته و فراگیر توانمندسازی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشند؛

- از حفظ چند بنای تاریخی فراتر روند و حفظ کل هویت کالبدی بافت را هدف قرار دهند (حداقل آن که چند ساختمان با ارزش باقی مانده که در شمول فعالیت‌های سازمان میراث قرار نمی‌گیرند را هم حفظ کنند و ساختمان‌های ناهمگون چندمرتبه در کنار آن‌ها نسازند)؛

- حفظ میراث تاریخی - فرهنگی و هویت کالبدی بافت را کانون بازآفرینی کالبدی و اقتصادی آن قرار دهند (مثلاً از طریق صورت‌بندی هم‌زمان برنامه‌های جلب گردشگر و تسهیل ایجاد کسب و کارهای مرتبط با آن).

پیشنهادهای

با توجه به مباحث مطرح شده، نکته‌ای که باید همواره مدنظر باشد این است که مداخله در بافت‌های تاریخی و کهن شهری امری کاملاً اجتماعی است و با فرهنگ جامعه در ارتباط است. بنابراین مردم باید در بطن امور حضور فعال داشته باشند و برنامه‌ها پس از طی مرحله کارشناسی، با آن‌ها در میان گذاشته و نظرسنجی شود. در این راستا، برای برنامه ریزی مطلوب و بهره‌مندی از ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در برنامه‌های بازآفرینی شهری و به منظور دستیابی به اهداف تحقیق پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

الف) اعتماد سازی در محلات هدف نسبت به برنامه‌های بازآفرینی شهری

اولین اقدام مجری طرح، اعتماد سازی در محله نسبت به برنامه‌های بازآفرینی شهری مطرح شده برای برطرف کردن مشکلات ناشی از فرسودگی بافت، است. جلب اعتماد مردم محله و سایر ذینفعان از طریق انجام اقدامات عملی در جهت برطرف کردن برخی مسایل و مشکلات در بافت، میسر می‌باشد که در طی جلسات مورد نیاز این مشکلات توسط گروه اجرایی اولیه و با نظارت مجری طرح مشخص می‌شود. در این راستا نکات زیر قابل توجه و تامل می‌باشد:

▪ در تعیین نوع اقدام و برنامه، برآورد هزینه لازم و تقسیم کار بین اعضای گروه باید دقت شود که این اقدامات کم هزینه باشد و در کوتاه مدت به انجام رسد؛

▪ بر گشودن کانال‌های ارتباطی زیاد بر اساس ایجاد ارتباط‌های دو جانبه مبتنی بر اعتماد تاکید می‌شود؛

▪ تعیین مشکلات و جمع‌آوری داده‌ها به‌طور مستقیم نباید جای خود را به جمع‌آوری داده‌های آماری محدود با مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها از افراد محدود بدهد؛

▪ گفتگوهای انجام شده بین گروه اجرایی اولیه طرح و مردم شامل شناخت مردم از محله و شناخت مردم از خودشان باشد؛

▪ از زبان و پیام‌های کلامی و غیرکلامی که مردم محله انتقال می‌دهند یا می‌گیرند، آگاهی حاصل شود و بر لزوم ساده سازی آن تاکید شود؛

▪ آشنایی و ایجاد اعتماد فرآیندی زمان‌بر است و این زمان برای کسب پیامدهای مثبت آن، باید صرف شود و این اساس اعتمادی است که بین مسئولین، سازمان‌های حامی طرح و مردم برقرار می‌شود.

ب) ایجاد یک زیرساخت مشارکتی نسبت به اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری

اولین اقدام در راستای ایجاد یک زیرساخت مشارکتی، اطلاع رسانی برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی پیشنهاد شده در بافت و آگاه ساختن ساکنین از این طرح‌ها برای برطرف کردن مشکلات کنونی محله آنها می‌باشد. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که در این مرحله باید از روش‌های مختلف مشارکت بهره گرفت و مراحل مختلف بازآفرینی را به اطلاع مردم رساند و هر مرحله با مشارکت مردم به تأیید آن مرحله

از طرح یا رد آن و اصلاح و کسب پیشنهادات جدید پرداخت و در نهایت به طرح مورد توافق مردم، متخصصین شهری، مدیریت شهری و به طور کلی همه ذینفعان برنامه بازآفرینی شهری بافت رسید. رسیدن به این توافق و همراهی مهم‌ترین عامل تضمین کننده موفقیت در اجرای برنامه بازآفرینی شهری بافت می‌باشد؛ این مرحله تا پایان فرآیند استمرار دارد.

از این رو، باید اقدامات لازم در جهت شناخت انگیزه‌ها، سلائق محلی، اعتمادسازی، اطلاع رسانی و شفاف سازی، نزدیکی و ارتباط بیشتر مردم و مسئولین، مشخص نمودن منافع برنامه برای مردم، حمایت مردم، توجه به زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و علاقه مندی افراد به فعالیت‌های عام المنفعه، شناخت پتانسیل‌ها و بهادادن به توانایی‌ها و تخصص‌های محلی، برقراری ارتباط چهره به چهره و استفاده از کانال‌های ارتباطی مناسب و به کارگیری ساز و کارهای تشویقی، مشارکت گروه‌های مختلف را در برنامه جلب کرد و در شروع باید بر جنبه‌هایی از مشارکت تاکید کرد که مردم تمایل و توان بیشتری نسبت به انجام آن از خود نشان داده‌اند. رعایت نکات زیر در این مرحله از فرآیند الزامی است:

- پرهیز از مداخله خارجی در فرآیندهای مشارکت محلی: مشارکت باید به عنوان فرصتی برای تغییر بیان شود و نه اینکه از بیرون دیکته شود.
- فرآیند ارتقاء مهارت‌ها و توانایی‌ها: فرآیندهای مشارکت باید همراه با آموزش مناسب از طرف هر دو مشارکت کنندگان و متخصصان باشد.
- فراهم کردن فرصت برای افراد در پر کردن نقش‌های اجتماعی ارزشمند: فرصتی برای تصمیم‌گیری، سازماندهی، مدیریت و اجرای خدمات ارائه شده توسط خود ساکنین ایجاد شود.
- فراهم کردن زمینه‌های مسئولیت‌پذیری برای ساکنان: ناتوانی موجب می‌شود که مردم احساس کنند که مسئولیت سرنوشت خود و خانواده‌های آن‌ها در دست افراد دیگری است. کسی که وابسته به دیگران است و توانایی‌های خود را ندارد، خودش را به‌عنوان مسئول برای زندگی خود نمی‌بیند؛ از این رو، تجربه در مسئولیت یک تجربه مهم اصلاحی است.

ج) تعریف نقش ذینفعان (بهره‌وران) در اجرای برنامه بازآفرینی شهری

مشارکت و درگیر شدن طیف وسیعی از بهره‌وران (ذینفعان)، عنصری کلیدی برای فرآیند بازآفرینی بافت تاریخی است. تحلیل دقیق گروه‌های ذینفع مختلف به منظور ارزیابی وسعت حمایت و یا ممانعت احتمالی آن‌ها ضرورت دارد. از این رو، گروه‌های ذینفع عمده چه جزو گروه‌های منفعت‌گیرنده باشند و چه جزو گروه‌های محروم شده از منابع، بایستی مشخص شوند. در این فرآیند ارتباط ذینفعان در فعالیت‌های مختلف توسعه محلی، چه در بخش برنامه ریزی و چه در اجرا و نظارت بر این برنامه‌ها فراهم می‌شود. در فرآیند بازآفرینی شهری بافت تاریخی- فرهنگی ساری، عمده‌ترین ذینفعان و نقش هر یک در این فرآیند به شرح زیر می‌باشند:

- **ساکنین بافت:** ساکنین محله اصلی‌ترین بهره‌وران در این فرآیند هستند که نقش آن‌ها باید بر اساس گروه‌های مختلف جنسی (زن و مرد)، طبقه اجتماعی - اقتصادی، شغل، اقلیت‌های خاص مذهبی و قومی مشخص شود و تاثیرات مثبت و منفی هر یک بر برنامه‌های بازآفرینی تحلیل شود؛
- **نهادهای محلی:** کانون‌های فرهنگی محله، هیات‌های مذهبی، حسینیه‌ها و مانند آن از جمله نهادهای محلی هستند که باید نوع آن‌ها (اعم از دولتی، غیردولتی، مردم نهاد و مانند آن) رسالت، ساختار سازمانی و عملکردهای آن‌ها مشخص شود؛
- **سازمان‌های دولتی:** سازمان‌های دولتی مرتبط با برنامه بازآفرینی شهری، مانند اداره کل راه و شهرسازی استان و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و...

▪ **مدیریت شهری:** شهرداری و سازمان‌های تابعه مرتبط با برنامه مانند سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری، معاونت فرهنگی و معاونت شهرسازی و معماری

▪ **شورای شهر:** شورای شهر در جایگاه نماینده مردم به‌عنوان نهاد نظارت‌کننده بر عملکرد شهرداری و رابط میان مردم و دولت عمل می‌کند و نقش مهمی در بسترسازی مناسب برای مشارکت گروه‌های مختلف مردم در برنامه‌های بازآفرینی شهری در این بافت می‌تواند ایفا کند.

به‌طور کلی مردم ساکن در بافت باید از طریق تصمیم‌گیری برای برنامه‌های بازآفرینی، همکاری در اجرای برنامه و نظارت بر آن، اقدامات حمایتی از دیگران و همکاری در مدیریت برنامه، حداکثر مشارکت را در این طرح بر عهده داشته باشند.

د) ایجاد و ارتقای سرمایه‌های اجتماعی اتصال دهنده و ارتباط دهنده

از آنجایی که بازآفرینی بافت‌های تاریخی شهری بر پایه به‌کارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در بافت‌های شهری و استفاده از سرمایه اجتماعی تاکید دارد، بافت تاریخی - فرهنگی شیراز نیازمند ایجاد و ارتقای سرمایه‌های اجتماعی اتصال دهنده و ارتباط دهنده

می‌باشد؛ سرمایه اجتماعی که به صورت بین گروهی توأم با اعتماد اجتماعی تعمیم یافته باشد. بنابراین لزوم توجه هر چه بیشتر به ایجاد ارتباط بین نهادهای تصمیم‌گیر و ساکنین بافت به‌عنوان ذینفع‌ترین گروه موجود احساس می‌شود؛ این ارتباط می‌تواند رابطه‌ای افقی و مداوم از سوی مسئولان باشد. در نتیجه‌ی این ارتباط بین مردم و مسئولین، آگاهی از پیشنهادات مردم برای باز آفرینی چند مزیت دارد: در ایجاد تغییرات هدف‌دار و مرتبط با نیازهای ساکنان مؤثر است؛ اقدامات قابل استفاده و مفید بر اساس معیارهای فرهنگی مردم اتفاق می‌افتد؛ به دلیل مشارکت مردم در طرح‌های بازآفرینی، محدودیت‌ها و امکانات بهتر ادراک شده، و پیشنهادات عملی تری ارائه می‌گردد. همچنین ایجاد روابط دوستانه و بر پایه همکاری‌های چندجانبه بین گروه‌های مختلف نژادی، قومی، زبانی و غیره در بافت از ضروریات تقویت سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود؛ تا بازآفرینی به معنای واقعی در بافت حادث گردد و بافت تاریخی - فرهنگی شهر ساری در کنار تاریخی بودنش پاسخ‌گوی نیازهای ساکنین خود بر اساس استانداردهای روز باشد.

منابع و مراجع

- [۱] اکبری، محمد علی (۱۳۹۴). رویکردی تاریخی بر شکل‌گیری و تحول نظریه سرمایه اجتماعی، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، سال هفتم، شماره ۱، ص ۸۶-۵۹.
- [۲] الوانی، سیدمهدی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها. تهران، انتشارات مانی، چاپ اول.
- [۳] اسمعیل پور، نجما، رحیمیان، محمدحسن و قربانی، سحر (۱۳۹۱). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر بسیج اجتماعی مطالعه موردی محله کشتارگاه شهر یزد. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۵، ص ۱۴۰-۱۲۳.
- [۴] بحرینی، سیدحسین، ایزدی، محمدسعید و مفیدی، مهرانوش (۱۳۹۲). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۹، ص ۳۰-۱۷.
- [۵] پورجعفر، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸). طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری، تهران، انتشارات هله.
- [۶] پوراحمد، احمد، حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، ص ۹۲-۷۳.
- [۷] تولایی، نوین و شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی برای رفاه اجتماعات محلی، مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- [۸] چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره ۲، دوره ۶، ص ۴۴-۳.
- [۹] حناچی، پیروز و مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۹). بازآفرینی شهرها میراثی برای آینده. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۰] حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶). مرمت شهری. چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، ویرایش جدید.
- [۱۱] حبیبی، کیومرث، پوراحمد، احمد و مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۹). بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، انتشارات دانشگاه کردستان، چاپ دوم.
- [۱۲] حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ص ۴۶-۳۷.
- [۱۳] حاجی پور، خلیل (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم، اندیشه ایرانشهر فصلنامه‌ای در زمینه شهرشناسی، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰.
- [۱۴] خاکپور، برات‌علی و پیری، عیسی (۱۳۸۴). آسیب شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن. مجله علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲، ص ۳۰-۱۳.
- [۱۵] رنایی، محسن و دلیری، حسین (۱۳۸۸). آیا سرمایه اجتماعی واقعا سرمایه است. مجله علمی-پژوهشی راهبرد یاس، شماره ۱۹، ص ۱۷۰-۱۴۷.
- [۱۶] رهنما، محمدرحیم و رضوی، محمد محسن (۱۳۹۱). بررسی حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد. نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۲، ص ۳۶-۲۹.
- [۱۷] زیاری، کرامت اله، طاوسیان، علی، سلمانی، محمدعلی و رضایی، حجت (۱۳۹۳). برآورد و سطح بندی توسعه محله ای با تاکید بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی مطالعه موردی: محلات شهر ابرکوه. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۷۶-۵۹.
- [۱۸] شمس پویا، محمدکاظم و توکلی نیا، جمیله (۱۳۹۴). تحلیل سرمایه‌های اجتماعی با تاکید بر مشارکت شهروندی و پاسخ‌گویی مدیران شهری مورد پژوهی: شهر اسلامشهر. فصلنامه آمایش محیط، شماره ۳۰، ص ۱۵۲-۱۳۷.
- [۱۹] شارع پور محمود (۱۳۸۵). سنجش سرمایه اجتماعی در استان مازندران (مناطق شهری و روستایی). انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.
- [۲۰] شمعی، علی و پور احمد، احمد (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

- [۲۱] صالحی، صادق و اماقلی، لقمان (۱۳۹۰). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست محیطی مطالعه موردی: استان کردستان. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته پژوهش- علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
- [۲۲] صبی زاده، مهشید و ایزدی، محمدسعید (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه: دورویکرد مکمل یا مغایر، مجله آبادی، دوره ۱۴، شماره ۴۳، صص ۲۱-۱۲.
- [۲۳] عبدالمهی، مجید (۱۳۹۲). ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی مورد پژوهی: محله‌های شهر شیراز. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۲، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- [۲۴] عندلیب، علیرضا (۱۳۹۳). روش تدوین پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری، تهران، انتشارات آذرخش.
- [۲۵] عارفی، مهیار (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی- مبنا برای توسعه اجتماع محلی. ترجمه نوین تولایی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۳۳-۲۲.
- [۲۶] فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران، انتشارات کویر، چاپ دوم.
- [۲۷] فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم (بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- [۲۸] فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، حکایت قلم نوین.
- [۲۹] قادری، اسماعیل، افسانه زمانی مقدم و سید هاشم جلالی کنیمی (۱۳۹۱). تدوین راهبردهای اجتماعی مدیریتی احیاء، توسعه و حفاظت بافت‌های تاریخی: مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهرداری تهران. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۱: صص ۹۷-۱۱۳.
- [۳۰] کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران، نشر توتیا.
- [۳۱] کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- [۳۲] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات تیرازه.
- [۳۳] گلکار، کوروش و باقری، نازگل (۱۳۸۶). راهنمای طراحی شهری معطوف به سرمایه اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده هنر و معماری.
- [۳۴] هابز، گراهام (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی چیست؟ مروری کوتاه بر ادبیات. ترجمه مهدی شجاعی باغینی، مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [35] Al-Tabbaa, O. & Ankarah, S. (2016). Social capital to facilitate 'engineered' university-industry collaboration for technology transfer: A dynamic perspective. *Journal of Technological Forecasting & Social Change*, Vol.104, pp.1-15.
- [36] Arbab, E. (2011). Function of Social Capital in Sustainable Urban Development Case: Zahedan City (Iran). Master Program in Sustainable Development, Uppsala University/ Institutionen for geovetenskap.
- [37] Adler, P. & Kwon, S. (2000). *Social Capital: The Good, The Bad and The Ugly*. Boston: Butterworth-Heinemann.
- [38] Barnes-Mauthe, M. Oleson, K. Brander, L. Zafindrasilivonona, B. Oliver, Th. & Beukering, P. (2015). Social capital as an ecosystem service: Evidence from a locally managed marine area. *Journal of Ecosystem Services*, Vol. 16, PP. 283-293.
- [39] Basile, E. & Cecchi, C. (2007). Building Social Capital in Rural Areas: Does Public Action Help. *Restructuring in Marginal Rural Areas (RESTRIM) - The International Center for Development Studie*, University of Aberdeen, GB.
- [40] Bourdieu, P. (1986). The forms of social capital, in: ichardson. *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, Greenwood, New York.

- [41] Bailey, N. (2010). Understanding Community Empowerment in Urban Regeneration and Planning in England: Putting Policy and Practice in Context. *Planning Practice & Research*. Vol. 25, No. 3, pp. 317-332.
- [42] Batey, P. (2000) Urban Regeneration in Britain: Progress, principles and Prospects. *International Symposium on Regeneration of City Down Town*.
- [43] Ballet, J. Sirven, N. & Requier-Desjardins, M. (2008). Social capital and natural resource management: a critical perspective. *Journal of Environment Development*. Vol.16, No.4, pp.355-374.
- [44] Cin, M. & Egercioglu, Y. (2016). A Critical Analysis of Urban Regeneration Projects in Turkey: Displacement of Romani Settlement Case. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, Vol.216, pp.269-278.
- [45] Colantonio, A. & Dixon, T. (2011). *Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities*. Wiley-blackwell.
- [46] Cox, J. (2010). Immigrant Assimilation, Trust and Social Capital, *Forschungsinstitut, zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor*. Discussion Paper No.5063, Bonn Germany.
- [47] Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. Great Britain: Streetwise press.
- [48] Coleman, J. (1989). Social Capital in the Creation of Human capital. *American journal of Sociology*, Vol.94, pp: 95-120.
- [49] Crawford, P. Zenia, K. Warren, R. & Zeenat, K. (2008). Social Capital Development in Participatory Community Planning and Design. *TPR (Town Planning Review)*.
- [50] Dargan, L. (2007). Conceptualising Regeneration in the New Deal for Communities. *Planning Theory & Practice*, Vol.8, No.3, PP.345-362.
- [51] Ertan, T. & Egercioglu, Y. (2016). Historic City Center Urban Regeneration: Case of Malaga and Kemeralti, Izmir. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, Vol.223, pp: 601-607.
- [52] Fukuyama, F. (1999). *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*. The Free Press. New York.
- [53] Fukuyama, F. (2001). Social Capital, civil society and development, *Third World Quarterly*, Vol.22, No.1, pp 7-20.
- [54] Field, J. (2003). *Social Capital and Human Capital*. London and New York: Rutledge.
- [55] Fonaroff, A. (1983). Community involvement in health systems for primary health care. Unpublished WHO document.
- [56] Fidrmuc, J. Gerxhani, K. (2008). Mind the gap, social capital, east and west. *Journal of Comparative Economics*, Vol.36, pp, 264-286.
- [57] Gulumser, A. Levent, TB. Nijkamp, P. & Poot, J. (2012). The role of local and newcomer entrepreneurs in rural development: A comparative metaanalytic study, *Research Memorandum 2012-1*, Faculty of Economics and Business Administration, Vrije Universiteit Amsterdam.